

هیس بازی!

روزنوشت‌های یک روزنامه‌نگار

احسان محمدی



چند سال بعد بازی استقلال - سپاهان این فصل را با چه چیزی به یاد می‌آوریم؟ نمایش رقت‌بار شایان مصلح، سوت مشکوک بیژن حیدری در اعلام پناالتی علیه سپاهان، غیبت امیر قلعه‌نویی و عکسش روی تی‌شرت سپاهانی‌ها، گل زیبای محمد مجبی، اخراج کودکانه آرش رضاوند، خط‌ونشان کشیدن و بددهنی امید نورافکن و وریا غفوری، ورزشگاه خالی آزادی، گاف جواد خیابانی در مورد شنیدن صدای تماشاگرانی که نمی‌دانست از بلندگوهاست، پرش شادمانه بهزاد غلامپور در آغوش سیدحسین حسینی، اشک‌های مهدی قایدی بعد از تعویض در آغوش فرهاد مجیدی، نمایش و آرامش شیخ دیاباته یا هیس‌نشان دادن سرمربی استقلال روبه دوربین‌ها؟

چند سال بعد در ذهن هرکدام از ماتصاویرمات و پراکنده‌ای باقی می‌ماند. ذهن آدم هرگز قادر نیست تمام اتفاقات یک مسابقه ۹۰ دقیقه‌ای فوتبال را به خاطر بیاورد، حتی اگر فینال جام جهانی باشد. از دیدار ایران - استرالیا یا ایران - آمریکا الان جز گل‌ها، چند شادمانی یا نجات دروازه چیز زیادی برایمان نمانده. مسابقات لیگ که پرتعدادند و هر سال تکرار می‌شوند هم مثل لایه‌های زمین روی هم رسوب می‌کنند و از یاد می‌روند.

این چیزها بیشتر به تاریخ تعلق دارند و عموم مردم در لحظه زندگی می‌کنند، پاداش آنی را بیشتر دوست دارند تا وعده روزگار خوشی که «چون شکر آید». برای همین پیروزی مقابل سپاهان مثل یک نفس کشیدن عمیق بعد از فرو رفتن زیر آب لذت‌بخش است. فرهاد مجیدی و استقلال‌ها تا بازی بعد فرصت دارند که از این دستاورد که آنها را به سهمیه آسیایی نزدیک می‌کند سرمست باشند.

بازی‌های تهران - اصفهان چندسالی است که از معمولی‌بودن خارج شده و فراتر از شش امتیاز دارد. خواباندن مچ سپاهان، آن هم ده نفره در ورزشگاه آزادی چیزی نیست که به این زودی‌ها از یاد برود و خلاصه کردن آن در گاف‌های شایان مصلح یا سوت داور خطاست.

فرهاد مجیدی اندک اندک دارد پخته‌تر می‌شود. فارغ از اعتراض مکرر به داورها که البته مربیان سرشناس دیگری هم این کار را انجام می‌دهند و به نظریک عادت غیرقابل ترک است، او به تجربه کردن شکست‌ها و پیروزی‌های بیشتری نیاز دارد.

ایستادن کنار زمین فوتبال، مثل رفتن درون کوره برای خشت خام است. پختگی تاوان دارد و هیچ‌کس با خواندن کتاب خاطرات یا نسخه تاکتیکی مربیان موفق دنیا نمی‌تواند یک سرمربی خوب شود. اماتاب آوردن در این کوره مثل «عشق» به تماشا نمی‌شود و مستلزم آتش گرفتن و سوختن است. چیزی که تنها شکست مزه تلخ آن را قطره قطره در کام آدم می‌ریزد.

واری آن هیس نشان دادن غیر ضروری به منتقدانش که البته نشان از فشار بیش از حد و همیمنطور اشتیاق سرمربی برای «ستاره» ماندن در رسانه‌ها دارد، مجیدی در آرام کردن تیم، ایجاد انگیزه برای غلبه بر حریف مدعی، دل‌داری دادن به باشوی استقلال و درک احساس ناگامی اوو... خوب و امیدوارکننده عمل کرد. در این میان مشخص نبود که سپاهان اصفهان چرا این همه بی‌رمق، بد، بی‌اشتیاق و ملال آور فوتبال بازی کرد؟ بعید است آنها در دیدار حذفی که بوی جام می‌دهد هم تا این اندازه بد باشند. آن مسابقه می‌تواند به مراتب فرصت بهتری برای سنجش کارآیی فرهاد مجیدی در رویارویی با سپاهان امیر قلعه‌نویی باشد.

گرچه کسب سهمیه یک موفقیت به شمار می‌آید اما هیچ چیز جای جام را نمی‌گیرد، آن هم وقتی که هواداران پرسپولیس مدام جام‌هایی که در این چند سال گرفته‌اند را می‌شمارند و به طعنه می‌گویند «انگشت کم آورده‌اند».

امیرقلعه‌نویی و فرهاد مجیدی هر دو از طرف هواداران برای فتح جام حذفی زیر فشار هستند و نکته هیجان‌انگیز ماجرا آنجاست که یحیی‌گل محمدی هم باتیم حریصش در پی این جام است. آنها که هیس نشان دادن فرهاد مجیدی پس از کسب سه امتیاز مقابل سپاهان را دیدند احتمالاً از خودشان می‌پرسند او اگر بتواند جام قهرمانی را از چنگ تراکتور، نفت مسجد سلیمان، پرسپولیس و سپاهان بیرون بکشد و به ویتترین افتخارات استقلال اضافه کند، چه می‌کند!...



سابق تیم ملی آلمان گرفتند. نوری درباره دوره همکاری با کلینزمن می‌گوید: «روزهای خوبی برای من رقم خورد. در آن مقطع این افتخار را داشتم که کنار کلینزمن کار کنم. نکته‌های بسیاری هم فرا گرفتم، بخصوص روحیه‌ای که او به بازیکنان می‌داد و آنها را آماده درخشش در مسابقات می‌کرد.»

بعد از جدایی کلینزمن، مسئولان هرتا سکان هدایت تیم‌شان را به الکساندر نوری سپردند و این مربی ایرانی هم توانست نتایج خوب و موفقیت‌آمیزی کسب کند. هرتا به روزهای خوب خود برگشت و نشان داد که می‌تواند با نوری به آینده امیدوار باشد. اما شیوع ویروس کرونا باعث شد تا برگزاری بازی‌های بوندس لیگا متوقف شود و به همین دلیل مدیران هرتا برلین تصمیم گرفتند از این وقفه استفاده کنند و مربی جدیدی را جایگزین نوری کنند. حتی در شرایطی که مربی ایرانی نتایج فوق‌العاده‌ای کسب کرده بود. برونو لابادیا جای نوری را گرفت و روی نیمکت هرتا نشست. مربی جوان ایرانی هم تاکنون صحبتی در این مورد انجام نداده و علاقه‌ای هم ندارد درباره هرتا و اتفاقات آن حرفی به زبان بیاورد.

در تمام این سال‌ها، همیشه الکساندر نوری یکی از گزینه‌های هدایت تیم‌های مطرح ایرانی و حتی تیم ملی بوده. یک بار بعد از جدایی کارلوس کی‌روش و یک مرتبه نیز پس از قطع همکاری با مارک ویلموتس، نام نوری مطرح شد تا هدایت تیم ملی را بر عهده بگیرد. هر بار اما همه چیز در حد حرف و شایعه بود و تماسی با نوری گرفته نشد. هر چند این مربی تأکید می‌کند که دوست دارد روزی روی نیمکت تیم ملی ایران بنشیند: «تاکنون هیچ تماسی با من برای هدایت تیم ملی ایران گرفته نشده و گویا فقط نام من به عنوان گزینه مطرح شده. من از وقوع چنین اتفاقی خوشحال می‌شوم اما همه چیز باید به وقتش انجام شود. الان که با شما صحبت می‌کنم، تیم ملی ایران سرمربی دارد و من هم هدفم بالا بردن سطح دانش فنی‌ام است. امیدوارم در تیم آینده‌ام بتوانم روزهای موفقی را رقم بزنم.»

نه تنها برای تیم ملی بلکه در باشگاه‌های بزرگ هم نام نوری به عنوان گزینه مربیگری مطرح شده. زمانی در سپاهان و حالا استقلال. چند روز قبل بود که بعد از کسب نتایج نه چندان درخشان استقلال، نام نوری به عنوان سرمربی بعدی این تیم مطرح شد که البته از سوی مسئولان هرگز تکذیب نشد. نوری اما در گفت‌وگویی مدعی شد که تماسی از سوی مسئولان باشگاه استقلال با او برقرار نشده است: «این خبر درست نیست و با من کسی تماسی نگرفته. مذاکرات با باشگاه استقلال انجام نداده‌ام و برای کادر فنی فعلی این تیم آرزوی موفقیت می‌کنم.»

کارواخال و همکارانش از نظر توانمندی فنی عالی بودند و از همان لحظه ورود به ریوآوه به خوبی مرا پذیرفتند. او یک روانشناس و مربی بزرگ است که دقیق می‌داند چه زمانی و چطور باید از بازیکنانش حمایت کند. حتی زمانی که مصدوم بودم می‌دانست چگونه باید روی ذهنیت من کار کند تا هیجانم حفظ شود.» مهاجم ایرانی ریوآوه درباره احتمال همراهی دوباره با سرمربی‌اش، برای مثال در تیم براگای پرتغال و جالب‌بودن این چالش هم صحبت می‌کند: «روشن است و چرا نباید این پیشنهاد را بپذیریم؟ باید منتظر باشیم و ببینیم چه اتفاق‌هایی در آینده رخ می‌دهد. باید

واکنش الکساندر نوری به یک شایعه

با استقلال مذاکره نکرده‌ام

گفت‌وگو

امیر اسادی @amir_asadi62



الکساندر نوری بعد از پایان همکاری با هرتابرلین، این روزها را مشغول آنالیز بازی‌ها، حضور در تمرینات تیم‌های مختلف آلمانی و همچنین بررسی آینده شغلی‌اش است. او که یکی از مربیان جوان، خوشفکرو آینده‌دار بوندس لیگا محسوب می‌شود، بعد از موفقیت باوردربرمین و بقا به همراه این تیم در لیگ آلمان برای خود نامی دست و پا کرد. قراردادش با برمن دائمی شد اما فصل بعد از آن نتوانست آنطور که باید مطابق میل مسئولان این تیم قدیمی نتیجه بگیرد. همین مسأله باعث شد تا طرفین بایکدیگر قطع همکاری کنند. نوری که در ایران هم شناخته‌تر شد و با حضور در برنامه‌نود، نام خود را سر زبان‌ها انداخت، بعد از ورود در برمن، روی نیمکت اینگولشتات نشست اما بخت با او یار نبود تا بتواند موفقیت را تجربه کند. نوری خیلی زود از اینگولشتات جدا شد تا رویاهای خود را در بوندس لیگا و نه دسته‌های پایین‌تر دنبال کند. رویاهایی نظیر بازگشت به نیمکت باشگاه‌هایی بزرگ و در نهایت کسب موفقیت در بالاترین سطح فوتبال آلمان.

الکساندر نوری که در آمریکا با یورگن کلینزمن آشنا شده و طرفین به درک متقابلی از توانایی‌های هم رسیده بودند، همکاری بایکدیگر را در هرتابرلین آغاز کردند. در هرتا تقریباً نوری وظایف اصلی را در زمین تمرین بر عهده داشت و کلینزمن هم مدیریت می‌کرد. ماحصل تلاش این دو، ثبت نتایج خوب و خروج هرتابرلین از منطقه خطر بود اما ناگهان مشخص نشد چه اتفاقی رخ داد که مسئولان این باشگاه تصمیم به پایان همکاری با ستاره

طارمی: شاید به براگا رفتم

نام مهدی طارمی اکنون در کنار بازیکنان مطرح فوتبال در لیست کفش طلای اروپا قرار گرفته و تیم‌های مطرحی را از لیگ‌های پرتغال، فرانسه، انگلستان، آلمان و ایتالیا خواهان خود می‌بیند. طارمی که یکی از بازیکنان کلیدی تیم ملی نیز محسوب می‌شود و اسکوچیچ از او در بازی‌های باقیمانده مقدماتی جام جهانی انتظار بالایی دارد، در گفت‌وگو با سایت ابولا در پرتغال صحبت‌های جالبی کرده است.

مهدی طارمی درباره نقش کالوس کارواخال، سرمربی پیشین ریوآوه در سازگاری آسان او با فوتبال پرتغال و نمایش خیره‌کننده‌اش می‌گوید: «من از او بسیار سپاسگزارم.